



Islamic Religious Learning through New Media from the Lived Experiences of Student-Teachers: Implications for Reconsidering the Teacher Education Curriculum

Behruz, zeinali  ^{1*}

¹ Assistant Professor, Department of Social Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Keywords:

Meaningful learning,
Islamic education,
New media,
Lived experience,
Virtual learning,
Teacher education
curriculum

.Corresponding author



behruzzeinali@gmail.com

Background and Objectives: In recent years, the rise of digital education has significantly transformed the ways Islamic education is delivered and experienced. The increasing use of new media platforms in instructional processes has raised questions among student teachers regarding the quality, meaning, and effectiveness of religious learning in such environments. This study aimed to explore the lived experiences of student teachers regarding learning Islamic teachings through digital platforms and to identify the key factors shaping religious understanding in this context. **Methods:** This qualitative study employed a phenomenological approach. Data were collected through semi-structured interviews with ten student teachers from Farhangian University. Thematic analysis was used to interpret the data. **Findings:** The analysis revealed three primary themes: emotional disconnection from formal classrooms, reliance on informal digital resources, and the creation of meaning through personal and reflective learning. **Conclusion:** The findings underscore the need to revise the Islamic education curriculum, taking into account the learning patterns of the media generation and integrating the potential of virtual environments with the goals of religious education. Challenges such as the lack of instructor presence and the absence of a coherent content framework were also observed throughout the learning process.

Received: 2025-07-19 **Reviewed:** 2025-09-27 **Accepted:** 2025-11-28 **Published Online:** 2025-11-15

Citation (APA): zeinali, B. (2026). Islamic Religious Learning through New Media from the Lived Experiences of Student-Teachers: Implications for Reconsidering the Teacher Education Curriculum. *Journals of Research in Teacher Education Curriculum Studies*, 5(2), 150-162.

 <https://doi.org/10.48310/jcdr.2025.20166.1209>



Publisher: Farhangian University

Article type: Research Article

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights



دوره ۵، شماره ۲، ۱۴۰۴

پژوهش در مطالعات برنامه درسی تربیت معلم

ISSN (Online): 2980-7948



یادگیری معارف اسلامی در بستر رسانه‌های نوین از منظر تجربه زیسته دانشجومعلم‌ان: دلالت‌هایی برای بازاندیشی در برنامه درسی تربیت معلم

بهروز زینلی^{۱*}

۱. گروه آموزشی علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران.

چکیده

پیشینه و اهداف: با گسترش آموزش دیجیتال، شیوه‌های یادگیری معارف اسلامی دگرگون شده است. این تحول، هم‌زمان هم فرصت‌هایی برای تعمیق باورهای دینی و هم چالش‌هایی مانند کاهش تعامل و سطحی‌شدن یادگیری به ارمغان آورده است. هدف این پژوهش، واکاوی تجربه زیسته دانشجو معلمان از یادگیری معارف اسلامی در بستر رسانه‌های نوین و استخراج دلالت‌های آن برای بازاندیشی در برنامه درسی تربیت معلم بود. **روش‌ها:** این مطالعه به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی انجام شد. جامعه پژوهش را دانشجومعلم‌ان دانشگاه فرهنگیان تشکیل می‌دادند که با روش نمونه‌گیری هدفمند و با حداکثر تنوع، ۱۰ نفر انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق بود و داده‌ها با استفاده از تحلیل مضمون و با تداوم جمع‌آوری تا رسیدن به اشباع نظری، تجزیه و تحلیل شدند. **یافته‌ها:** تحلیل داده‌ها منجر به استخراج سه مضمون اصلی شد: «چالش‌های یادگیری در بستر رسانه‌ای (شامل احساس فاصله عاطفی و کاهش تعامل)»، «بازتعریف منابع دینی در فضای دیجیتال (با محوریت رجوع به منابع غیررسمی و شخصی‌سازی‌شده)» و «تجربه یادگیری معنادار دینی (ناشی از تأمل شخصی و درونی‌سازی معنا)». **نتیجه‌گیری:** یافته‌ها نشان می‌دهد برنامه درسی کنونی معارف اسلامی نتوانسته است با زیست‌جهان رسانه‌ای نسل جدید همراه شود. بر این اساس، بازنگری در برنامه درسی با هدف تلفیق ظرفیت‌های آموزش مجازی، تقویت سواد رسانه‌ای و طراحی تجربیات یادگیری معنادار و تعاملی ضروری به نظر می‌رسد. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به تمرکز بر یک دانشگاه خاص اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی:

یادگیری معنادار،
آموزش معارف اسلامی،
رسانه‌های نوین،
تجربه زیسته،
آموزش مجازی،
برنامه درسی تربیت معلم.

۱. نویسنده مسئول:
behruzzeinali@gmail.com
✉

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴-۰۴-۲۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴-۰۷-۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴-۰۹-۰۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴-۰۹-۰۹

استناد به این مقاله: زینلی، بهروز. (۱۴۰۴). یادگیری معارف اسلامی در بستر رسانه‌های نوین از منظر تجربه زیسته دانشجومعلم‌ان: دلالت‌هایی برای بازاندیشی در برنامه درسی تربیت معلم. پژوهش در مطالعات برنامه درسی تربیت معلم، ۵(۲)، ۱۶۲-۱۴۹.

doi <https://doi.org/10.48310/jcdr.2025.20166.1209>



نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه فرهنگیان

© ۱۴۰۴ / نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.



مقدمه

تحولات گسترده فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال، چهره آموزش و یادگیری در سراسر جهان را دگرگون ساخته است (Huda et al., 2024). این دگرگونی، فرصت‌ها و چالش‌های متعددی را برای نظام‌های آموزشی به ارمغان آورده و شیوه‌های سنتی انتقال دانش و معنا را تحت تأثیر قرار داده است. در این میان، آموزش دروسی که مستقیماً با هویت و باورهای افراد سروکار دارند، از حساس‌ترین حوزه‌ها محسوب می‌شوند (Kostruba, 2023). آموزش معارف اسلامی، به عنوان یکی از ارکان برنامه درسی تربیت معلم در دانشگاه فرهنگیان، از این قاعده مستثنی نیست. در سال‌های اخیر، به‌ویژه با گسترش آموزش مجازی، تجربه زیسته دانشجو معلمان از این دروس وارد مرحله جدیدی شده است (Sanabar, Ghadampour, & Abbasi, 2023).

مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهند که رسانه‌های دیجیتال در حال بازتعریف مفاهیم سنتی دین و معنویت هستند. (Campbell, 2020) بر این باور است که دینداری در فضای دیجیتال، شکلی تعاملی، شخصی‌شده و مبتنی بر انتخاب‌های فردی به خود گرفته است. در همین راستا، نظریه‌های یادگیری نیز نیاز به بازنگری دارند. نظریه «یادگیری معنادار» (Ausubel, 1968) بر پیوند محتوای جدید با دانش پیشین فراگیر تأکید دارد، و نظریه «ساخت‌گرایی اجتماعی» (Vygotsky, 1978). نقش تعاملات اجتماعی و بستر فرهنگی را در شکل‌گیری معنا کلیدی می‌داند. این چارچوب‌های نظری، برای تحلیل نحوه مواجهه دانشجومعلمان با محتوای دینی در بستری غیر از کلاس سنتی، بسیار راهگشا هستند (Nosrati Hoshi et al., 2024).

اگرچه مطالعات داخلی نیز به بررسی آموزش مجازی پرداخته‌اند (برای مثال، Afshari, Cheshmeh Khavar & Kashefi, 2022; Faramarzian & Ghasemi, 2024)، اما شکاف آشکاری در واکاوی تجربه زیسته خود دانشجومعلمان از یادگیری محتوای دینی در بستر رسانه‌های نوین وجود دارد. بیشتر پژوهش‌های موجود بر جنبه‌های فنی یا کلی آموزش مجازی متمرکز بوده‌اند (Nejadasadi & Safarzadeh, 2023) و صدای خود فراگیران در این زمینه کمتر شنیده شده است. این خلأ، مانع از درک عمیق تأثیرات این تحول بر نگرش‌ها، باورها و کیفیت یادگیری دینی آینده‌سازان نظام آموزشی شده است.

بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال اصلی است که: «تجربه زیسته دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان از یادگیری معارف اسلامی در بستر رسانه‌های نوین چیست و این تجربه چه دلالت‌هایی برای برنامه درسی تربیت معلم دارد؟» این پرسش اصلی، مستقیماً از عنوان پژوهش و هدف کلی مطالعه که «واکاوی تجربه زیسته دانشجومعلمان از یادگیری معارف اسلامی در بستر رسانه‌های نوین و تبیین دلالت‌های آن برای بازاندیشی در برنامه درسی تربیت معلم» است، استخراج شده است. برای دستیابی به این هدف، سؤالات فرعی زیر نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند:

- مضامین اصلی تشکیل‌دهنده این تجربه زیسته کدامند؟
 - چه عواملی در این بستر، یادگیری معنادار دینی را تسهیل یا تضعیف می‌کنند؟
 - چگونه می‌توان این تجربه را در قالب یک مدل مفهومی تبیین کرد؟
- شناسایی و تبیین این تجربه، نه تنها به غنای ادبیات علمی می‌افزاید، بلکه می‌تواند مبنای علمی محکمی برای بازنگری در برنامه درسی تربیت معلم و همسو کردن آن با زیست‌جهان نسل جدید فراهم کند (Carambas & Espique, 2023).

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، توجه به کیفیت یادگیری دروس معارف اسلامی به‌ویژه در بستر آموزش مجازی افزایش یافته است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که آموزش دینی در محیط دیجیتال با چالش‌هایی مانند کاهش ارتباط عاطفی، سطحی شدن فهم، و دشواری در درونی‌سازی مفاهیم دینی همراه است (Ahmadi Hedayat, Madi & Hamidizadeh, 2024). از سوی دیگر، رسانه‌های نوین اعم از کلیپ‌های دینی، پادکست‌ها و صفحات مذهبی در شبکه‌های اجتماعی، سهم فزاینده‌ای در شکل‌دهی به تجربه دینی دانشجویان دارند (Faramarzian & Ghasemi, 2024).

در سطح ملی، (Alipour and Ghasemi (2022) گزارش می‌کنند که دانشجومعلمان از طریق مشارکت در فعالیت‌هایی مانند درس‌پژوهی، تجربه یادگیری عمیق‌تری کسب می‌کنند. در همین حال، (Afshari et al. (2022 به چالش‌های اجرایی دوره کارورزی مجازی از جمله محدودیت‌های زیرساختی و نیاز به بهبود تعامل اشاره کرده‌اند. همچنین، یافته‌های (Nejadasadi and Safarzadeh (2023 نشان می‌دهد که به‌کارگیری راهبردهای یادگیری خودتنظیمی و تقویت خودکارآمدی تحصیلی می‌تواند موجب بهبود کیفیت یادگیری مجازی شود.

در سطح بین‌المللی، پژوهش‌هایی چون (Campbell, 2020) و (Kostruba, 2023) بر این نکته تأکید دارند که آموزش دینی در بستر دیجیتال، دیگر صرفاً به انتقال مفاهیم ختم نمی‌شود، بلکه به تجربه‌ای تعاملی، بازتابی، و رسانه‌محور تبدیل شده است. (Huda et al., 2024) نیز بر لزوم به‌کارگیری رسانه‌های نوین در آموزش معارف اسلامی تأکید می‌کنند.

با وجود این مطالعات ارزشمند، شکاف پژوهشی آشکاری در ادبیات موضوع مشاهده می‌شود. اکثر پژوهش‌های پیشین:

- بر سنجش کمی عوامل مؤثر (مانند انگیزه، نگرش) متمرکز بوده‌اند (Sanabar et al., 2023)
- یا به بررسی کلی «آموزش مجازی» پرداخته‌اند بدون آنکه به طور خاص، تجربه زیسته و ابعاد کیفی یادگیری محتواهای دینی را در این بستر واکاوی کنند
- کمتر پژوهشی به طور همزمان، چالش‌ها (مانند فاصله عاطفی)، فرصت‌ها (مانند رجوع به منابع غیررسمی) و پیامدهای برنامه‌درسی این تغییر پارادایم را در کنار یکدیگر و از زبان خود دانشجومعلمان به عنوان آینده‌سازان نظام آموزشی، بررسی کرده است

پژوهش حاضر با تمرکز بر واکاوی عمیق و کیفی «تجربه زیسته» این گروه خاص، در صدد پر کردن این خلأ پژوهشی است.

این پژوهش از چارچوب نظری ترکیبی متشکل از نظریه یادگیری معنادار (David Ausubel's (1968 و نظریه ساخت‌گرایی اجتماعی (Lev Vygotsky's (1978 بهره می‌برد. انتخاب این دو نظریه به عنوان پایه تحلیلی، مبتنی بر ماهیت پدیده مورد مطالعه، یعنی یادگیری دینی در بستر دیجیتال، است که هم بعد شناختی_فردی و هم بعد اجتماعی_فرهنگی دارد.

نظریه یادگیری معنادار دیوید آزوبل بر این اصل استوار است که یادگیری زمانی به صورت عمیق و پایدار رخ می‌دهد که مفاهیم جدید، با دانش و تجربیات قبلی یادگیرنده ارتباط معنادار برقرار کنند (Ausubel, 1968). به عبارت دیگر، محتوای آموزشی باید در «ساخت شناختی» فرد جایگیری و لنگر بیندازد. در زمینه این پژوهش، این نظریه به ما کمک می‌کند تا بفهمیم:

- چگونه محتوای دینی ارائه شده در رسانه‌های نوین (مانند یک کلیپ یا پادکست) می‌تواند با ساختار باورها و شناخت‌های قبلی دانشجومعلم پیوند بخورد (یا نیابد).
 - چرا برخی از این محتواها منجر به «یادگیری معنادار» و درونی‌سازی می‌شوند (مانند تجربه تأملی و شخصی که شرکت‌کنندگان گزارش کردند) در حالی که محتوای کلاس رسمی ممکن است تنها به «یادگیری طوطی‌وار» منجر شود.
- نظریه ساخت‌گرایی اجتماعی ویگوتسکی اما بر خاستگاه اجتماعی و فرهنگی یادگیری تأکید دارد. از منظر (Vygotsky, 1978)، فرآیند ساخت معنا، در تعامل با دیگران و از طریق ابزارهای فرهنگی، که مهمترین آنها «زبان» است، صورت می‌پذیرد. منطقه تقریبی رشد «مفهوم کلیدی این نظریه است که یادگیری را در گرو تعامل و راهنمایی اجتماعی می‌داند.
- در بستر دیجیتال، رسانه‌های نوین (شبکه‌های اجتماعی، انجمن‌های آنلاین) به عنوان ابزارهای فرهنگی_نمادین جدید عمل می‌کنند که بستر جدیدی برای «تعامل اجتماعی» و «ساخت جمعی معنا» فراهم می‌کنند.
 - این نظریه توضیح می‌دهد که چرا دانشجومعلم برای جبران خلأ تعامل در کلاس رسمی، به منابع غیررسمی (مانند صفحات اینستاگرام و عاظ) روی می‌آورند. در حقیقت، آنها در حال جست‌وجوی یک «منطقه تقریبی رشد» جدید در فضای دیجیتال هستند.
 - همچنین، این چارچوب توضیح می‌دهد که چگونه «مرجعیت دینی» در این فضا، از حالت متمرکز (استاد) به حالت غیرمتمرکز (جوامع آنلاین) تغییر می‌کند.
- تلفیق این دو چارچوب: این دو نظریه در یک راستای مکمل قرار می‌گیرند. نظریه آزوبل، فرآیند درونی و شناختی یادگیری دینی را در فرد تبیین می‌کند، در حالی که نظریه ویگوتسکی، بستر اجتماعی و تعاملی که این یادگیری در آن رخ می‌دهد را روشن می‌سازد. این ترکیب نظری، لنزی قدرتمند برای تحلیل جامع پدیده پیچیده «یادگیری معارف اسلامی در بستر رسانه‌های نوین»، که هم بر ساخت معنا توسط فرد و هم بر تعامل در یک بستر فرهنگی_رسانه‌ای جدید متکی است، در اختیار ما قرار می‌دهد.

روش

این پژوهش با رویکرد کیفی و به روش پدیدار شناسی تو صیفی انجام شد. پدیدار شناسی به دنبال درک عمیق ذات و ساختارهای یک پدیده از طریق مطالعه تجربیات زیسته افرادی است که مستقیماً آن را از سر گذرانده‌اند (Creswell & Poth, 2018). از آنجا که هدف این مطالعه، فهم و توصیف تجربه دانشجومعلم از یادگیری معارف اسلامی در بستر دیجیتال بود، این روش به عنوان راهبردی مناسب انتخاب شد.

جامعه پژوهش شامل کلیه دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان استان تهران بود که حداقل دو درس معارف اسلامی را در بستر مجازی یا ترکیبی گذرانده بودند.

روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با حداکثر تنوع از نظر رشته تحصیلی (برای دستیابی به دیدگاه‌های متنوع) بود. فرآیند نمونه‌گیری و جمع‌آوری داده‌ها به صورت همزمان و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. به این معنا که مصاحبه با مشارکت‌کنندگان جدید تا جایی ادامه داده شد که داده‌های جدید، منجر به ظهور مضمون، ویژگی یا بینش

تازه‌ای نشد و پژوهشگر به این اطمینان رسید که مضامین اصلی شناسایی شده به اندازه کافی غنی و تکرارشونده هستند (Braun & Clarke, 2006).

در نهایت، پس از مصاحبه با ۱۰ نفر (شامل ۵ دانشجو از رشته آموزش ابتدایی و ۵ دانشجو از رشته آموزش زبان عربی که واجد شرایط بودند و از پردیس‌های در دسترس انتخاب شدند)، اشباع نظری حاصل شد و جمع‌آوری داده‌ها متوقف گردید. این تعداد با حجم نمونه متعارف در مطالعات پدیدارشناسی همخوانی دارد. ترکیب نمونه نهایی بر اساس رشته تحصیلی و جنسیت در جدول (۱) نمایش داده شده است.

جدول ۱. ترکیب نمونه پژوهش بر اساس رشته تحصیلی و جنسیت

رشته تحصیلی	تعداد	جنسیت (زن)	جنسیت (مرد)
آموزش ابتدایی	۵ نفر	۳ نفر	۲ نفر
آموزش زبان عربی	۵ نفر	۳ نفر	۲ نفر

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق بود. یک راهنمای مصاحبه اولیه بر اساس ادبیات پژوهش و سؤالات تحقیق تهیه و در یک مطالعه مقدماتی با دو نفر آزمون شد. سؤالات اصلی مصاحبه حول محورهای کلی تجربه حضور در کلاس، احساسات، تعامل با استاد و همکلاسی‌ها، مواجهه با محتوای دیجیتال، و منابع غیررسمی مورد استفاده قرار می‌گرفت. هر مصاحبه به طور متوسط ۴۵ تا ۶۰ دقیقه طول کشید و در محیطی آرام و با رعایت اصول اخلاقی انجام شد. با اجازه شرکت‌کنندگان، مصاحبه‌ها ضبط و سپس برای تحلیل، عیناً و کلمه‌به‌کلمه پیاده‌سازی شدند.

داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون بر اساس الگوی شش مرحله‌ای Braun and Clarke's (2006) تحلیل شد. این مراحل عبارت بودند از:

۱. آشنایی با داده‌ها (خواندن مکرر متن مصاحبه‌ها)

۲. تولید کدهای اولیه

۳. جستجو برای یافتن مضامین

۴. بازبینی مضامین

۵. تعریف و نام‌گذاری مضامین

۶. تهیه گزارش نهایی

کلیه مراحل کدگذاری و تحلیل به صورت دستی و توسط پژوهشگر اصلی انجام شد.

تمامی مراحل این پژوهش با رعایت اصول اخلاقی انجام شد. پیش از آغاز مصاحبه‌ها، اهداف تحقیق، محرمانگی اطلاعات و حق انصراف در هر مرحله به صورت شفاف توضیح داده شد و رضایت آگاهانه کتبی از همه مشارکت‌کنندگان اخذ گردید. هویت افراد محرمانه باقی مانده و داده‌ها صرفاً در چارچوب تحلیل علمی و بدون کاربردهای جانبی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

یافته‌ها

در فرآیند تحلیل کیفی داده‌های مصاحبه، با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، کدها و مفاهیم اولیه استخراج و در نهایت در قالب سه مضمون اصلی سازماندهی شدند. این مضامین که نمایانگر ابعاد مختلف تجربه زیسته دانشجومعلم از یادگیری معارف اسلامی در بستر رسانه‌های نوین هستند، به همراه مضامین فرعی و شواهد مرتبط در ادامه ارائه می‌گردند. خلاصه‌ای از این ساختار تحلیلی در جدول (۲) قابل مشاهده است.

جدول ۲. مضامین نهایی استخراج شده از داده‌های پژوهش

مضامین نهایی	مضامین فرعی (مقوله‌های میانی)	کدهای اولیه (نمونه)
چالش‌های یادگیری در بستر رسانه‌ای	احساس انزوای عاطفی و کاهش تعامل	قطع ارتباط با استاد، کلاس سرد و رسمی، خستگی ذهنی
چالش‌های یادگیری در بستر رسانه‌ای	افت انگیزه و تمرکز در کلاس‌های مجازی	بی‌انگیزگی، افت توجه، احساس بی‌ربطی محتوا
بازتعریف منابع دینی در تجربه دانشجومعلم	استفاده از منابع دینی شخصی‌سازی شده در فضای مجازی	دنبال کردن صفحات مذهبی، پادکست‌های کوتاه، جذابیت زبانی
بازتعریف منابع دینی در تجربه دانشجومعلم	اعتماد و اعتبارسنجی انتخابی منابع غیررسمی	تشخیص منابع معتبر، سنجش صحت محتوا، تجربه کاربرمحور
یادگیری معنادار دینی در بستر دیجیتال	یادگیری تأملی و شخصی در خلوت فردی	یادگیری برای خود، نه برای نمره، تجربه خلوت معنوی
یادگیری معنادار دینی در بستر دیجیتال	تفسیر مستقل مفاهیم و بازسازی معنای دینی	تأمل آزاد، مقایسه روایت‌ها، بازتعریف باورها

مضمون اول: چالش‌های یادگیری در بستر رسانه‌ای

تحلیل روایت‌های مشارکت‌کنندگان نشان داد که محیط آموزش مجازی دروس معارف، با چالش‌های عاطفی و شناختی عمیقی همراه است. این چالش‌ها در دو محور اصلی «احساس انزوای عاطفی و کاهش تعامل» و «افت انگیزه و تمرکز» خودنمایی می‌کرد.

• شواهد:

- یکی از مشارکت‌کنندگان در توصیف این فاصله عاطفی گفت: «کلاس آنلاین معارف برایم مثل تماشای یک برنامه خبری بود؛ هیچ حس درگیری فکری یا روحی با آن برقرار نمی‌کردم.» (P5)

- مشارکت‌کننده دیگری به چالش تمرکز اشاره کرد: «صفحه موبایل یا لپ‌تاپ کلی محرک دیگه هم داره... خیلی زود حواستم پرت میشد و اصلاً متوجه نمی‌شدم استاد چه گفت.» (P2)
- تجربه دیگری حاکی از این بود: «در کلاس حضوری، با نگاه و حالات چهره استاد همراه می‌شدم. اینجا انگار به یک فایل صوتی گوش می‌دهم، نه به یک معلم.» (P8)

مضمون دوم: بازتعریف منابع دینی در فضای دیجیتال

همزمان با ناکارآمدی نسبی آموزش رسمی، یک کنشگری فعالانه از سوی دانشجومعلم برای جبران این خلأ مشاهده شد. آنان به صورت گزینشی و بر اساس ترجیحات شخصی خود، به جست‌وجو و استفاده از منابع دینی غیررسمی در فضای مجازی روی آورده بودند.

• شواهد:

- یکی از مشارکت‌کنندگان که از صفحات مذهبی در شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کرد، توضیح داد: «استاد فقط متن می‌خواند، اما یک کلیپ کوتاه از یک روحانی جوان و خوش‌صحبت در اینستاگرام باعث شد ساعت‌ها درباره‌اش فکر کنم و حتی به منابع اصلی رجوع کنم.» (P3)
- مشارکت‌کننده دیگری در مورد دلیل مراجعه به پادکست‌های دینی گفت: «زبان و بیان بعضی از این پادکست‌ها برای نسل ما جذاب‌تر و قابل فهم‌تر است. احساس می‌کنم با گوینده هم‌زبانم.» (P7)

مضمون سوم: تجربه یادگیری معنادار دینی

در کنار چالش‌ها، داده‌ها از شکل‌گیری تجربه‌های یادگیری عمیق و معناداری حکایت داشت که در بستر شخصی و تعاملی فضای دیجیتال روی داده بود. این تجربه که فراتر از اهداف آموزشی رسمی بود، به «یادگیری تأملی در خلوت فردی» و «تفسیر مستقل مفاهیم» منجر می‌شد.

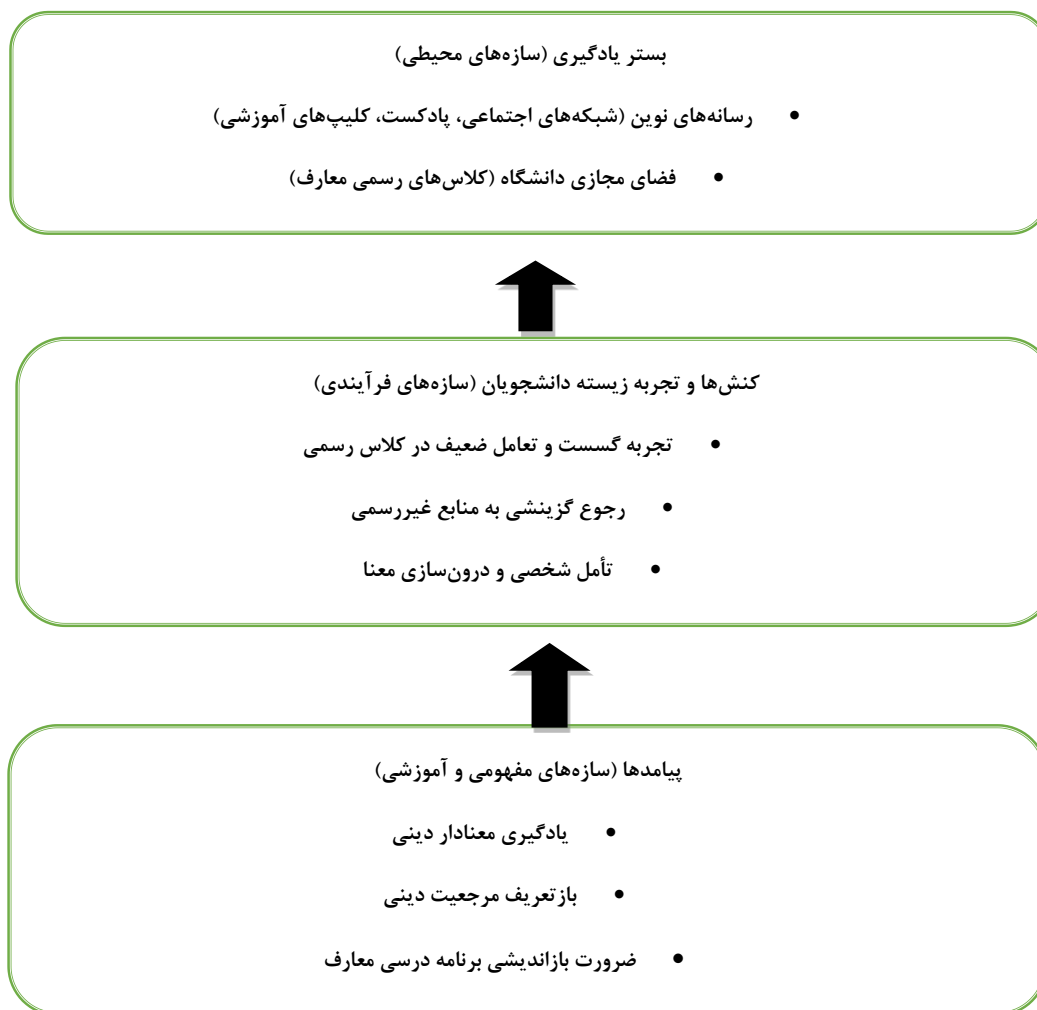
• شواهد:

- یکی از مشارکت‌کنندگان تجربه خود از دیدن یک کلیپ مذهبی را اینگونه توصیف کرد: «وقتی آن کلیپ کوتاه درباره بخشش را تنها و در خلوت خوابگاه دیدم، برای اولین بار نه برای امتحان، بلکه فقط برای خودم، گریه کردم و به رابطه خودم با خدا فکر کردم.» (P4)
- دانشجومعلم دیگری به فرآیند بازاندیشی در باورهایش اشاره نمود: «دیدن نظرات مختلف زیر یک پست مذهبی، مرا وادار کرد که خودم تحقیق کنم و برداشت شخصی خودم را داشته باشم، نه اینکه فقط شنونده صرف باشم.» (P6)

تحلیل تجربیات مشارکت‌کنندگان نشان داد که یادگیری معارف اسلامی در بستر دیجیتال، فرآیندی پویا و چندبعدی است که در یک چرخه شکل می‌گیرد: از چالش با محیط رسمی شروع می‌شود، به کنشگری فردی در محیط غیررسمی می‌انجامد، و در نهایت، تحت شرایط مناسب، به یادگیری معنادار منجر می‌گردد. برای تبیین این چرخه، مدل مفهومی زیر ارائه می‌شود.

مدل مفهومی تبیین‌کننده تجربه زیسته

در گام نهایی تحلیل و در یک نگاه کل‌نگر به مضامین و ارتباط بین آن‌ها، یک مدل مفهومی برای تبیین جامع تجربه زیسته دانشجویان شکل گرفت (شکل ۱). این مدل که مستقیماً از ارتباط منطقی بین سه مضمون اصلی پژوهش استنتاج شده است، نشان می‌دهد که چگونه تعامل بین بسترهای آموزشی، کنشگری دانشجویان و پیامدهای یادگیری، این تجربه پیچیده را می‌سازد.



شکل ۱. مدل مفهومی یادگیری معارف اسلامی در بستر رسانه‌های نوین از منظر تجربه زیسته دانشجویان
مدل مفهومی ارائه شده، به صورت منسجم، سازه‌های محیطی، فرآیندی و مفهومی تجربه یادگیری دینی را درهم‌تنیده و تصویر نسبتاً جامعی از این پدیده ارائه می‌دهد:

۱. بستر یادگیری (سازه‌های محیطی):

این سطح شامل فضای رسمی آموزش (کلاس‌های مجازی دروس معارف اسلامی) و فضاهای غیررسمی رسانه‌ای (نظیر شبکه‌های اجتماعی، پادکست‌های مذهبی، کانال‌های تعاملی و ویدیوهای معارفی) است. تعامل میان این دو بستر، زمینه‌ای دوسویه از مواجهه سنت و نوآوری را در آموزش دینی رقم می‌زند.

۲. کنش‌ها و تجربه زیسته‌ی دانشجویان (سازه‌های فرآیندی):

روایت‌های دانشجویان نشان‌دهنده احساس گسست میان محتوای رسمی و زیست‌جهان دینی‌شان، روی‌آوری گزینشی به منابع غیررسمی، و تلاش برای درون‌سازی معنادار مفاهیم دینی در بستر رسانه‌ای است. این سطح، نمایانگر شکل‌گیری کنشگری معرفتی در مواجهه با محدودیت‌های آموزش رسمی است.

۳. پیامدهای شناختی و برنامه‌درسی (سازه‌های مفهومی):

در این سطح، یادگیری دینی به صورت بازاندیشانه، معنا ساز و متکی بر تجربه فردی بروز می‌یابد. پیامدهایی نظیر بازتعریف مرجعیت دینی، تقویت سواد انتقادی و احساس نیاز به بازنگری در الگوهای آموزش رسمی از جمله مؤلفه‌های این سطح‌اند.

این مدل مفهومی نشان می‌دهد که یادگیری دینی در عصر دیجیتال صرفاً امتداد ساختارهای سنتی نیست، بلکه بازتابی از تحولات عمیق در ساحت معنا، کنشگری و ترجیحات معرفتی نسل جدید است. به کارگیری این چارچوب می‌تواند افق تازه‌ای برای بازطراحی برنامه درسی معارف اسلامی، تحول در نقش معلم، و ارتقای تجربه یادگیری دینی در نهاد تربیت معلم به‌ویژه در دانشگاه فرهنگیان فراهم سازد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش که از تحلیل تجربه زیسته دانشجومعلم‌ان حاصل شد، نشان می‌دهد که یادگیری معارف اسلامی در بستر رسانه‌های نوین، یک پدیده پیچیده، چندبعدی و پویا است که در یک فرآیند سه‌مرحله‌ای قابل تبیین است. این فرآیند با «چالش‌های یادگیری در بستر رسانه‌ای» (شامل احساس انزوای عاطفی و افت انگیزه در کلاس‌های رسمی مجازی) آغاز می‌شود. در مواجهه با این چالش‌ها، دانشجومعلم‌ان به صورت کنشگرانه به «بازتعریف منابع دینی در فضای دیجیتال» روی می‌آورند و با جست‌وجوی گزینشی در منابع غیررسمی (مانند صفحات مذهبی و پادکست‌ها)، خلأ موجود را پر می‌کنند. این کنشگری فعال، در نهایت به شرط ایجاد فضای تأمل شخصی، می‌تواند به «یادگیری معنادار دینی در بستر دیجیتال» بینجامد؛ تجربه‌ای که با ویژگی‌هایی چون تفکر بازاندیشانه، تفسیر مستقل و ارتباط عمیق شخصی با مفاهیم دینی شناخته می‌شود.

مدل مفهومی ارائه‌شده در این پژوهش، که از تلفیق این سه مضمون اصلی شکل گرفته است، به صورت منسجم نشان می‌دهد که چگونه بسترهای یادگیری (رسمی و غیررسمی)، کنشگری دانشجومعلم‌ان و پیامدهای یادگیری با یکدیگر در تعامل هستند. این مدل حکایت از آن دارد که آموزش رسمی معارف دیگر نمی‌تواند منحصر به کلاس‌های سنتی یا شبه‌حضوری باشد، بلکه باید ظرفیت‌های یادگیری سیال، شخصی‌شده و مبتنی بر کنشگری فراگیران در فضای دیجیتال را به‌طور جدی به رسمیت بشناسد.

در پرتو این یافته‌ها، بازنگری در برنامه درسی معارف اسلامی امری اجتناب‌ناپذیر است. این بازنگری باید معطوف به تبدیل محیط آموزش از یک فضای یک‌سویه و کمرنگ از نظر عاطفی، به یک اکوسیستم یادگیری باشد که در آن، منابع رسمی و غیررسمی در تعاملی سازنده قرار گیرند، نقش معلم از انتقال‌دهنده صرف اطلاعات به تسهیل‌گر و راهنمای فرآیند معنا سازی تغییر یابد، و فرصت‌هایی برای تأمل شخصی و بازسازی معنای دینی توسط خود دانشجومعلم فراهم آید. تنها در این صورت است که می‌توان امید داشت تجربه یادگیری معارف برای نسل جدید، هم‌چون برخی تجارب زیسته برجسته در این پژوهش، به راستی عمیق و اثرگذار شود.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که برنامه درسی کنونی معارف اسلامی در دانشگاه فرهنگیان با چالش بنیادین هم‌نوایی با زیست‌جهان دیجیتال نسل جدید مواجه است. به نظر می‌رسد تلفیق ظرفیت‌های آموزش مجازی با اهداف تربیت دینی، تقویت سواد رسانه‌ای و بازتعریف نقش معلم از ناقل محتوا به تسهیل‌گر فرآیند یادگیری، از ضرورت‌های انکارناپذیر در بازنگری برنامه درسی است.

پیشنهادهای:

- ۱) بازطراحی دروس معارف اسلامی با بهره‌گیری از رویکردهای روایت‌محور، چندرسانه‌ای، و مشارکتی، به‌منظور تقویت پیوند شناختی و فرهنگی با زیست‌جهان دانشجومعلم.
- ۲) گنجانیدن واحدهای آموزشی مکمل با عنوان‌هایی همچون «دینداری در فضای مجازی» یا «ارتباطات دینی در عصر دیجیتال» در سرفصل تربیت معلم.
- ۳) توانمندسازی استادان معارف از طریق کارگاه‌های ضمن خدمت در زمینه طراحی محتوای دینی رسانه‌پذیر و گفت‌وگو محور، با تأکید بر سواد رسانه‌ای و روان‌شناسی نسل جدید.
- ۴) ساماندهی و ارزیابی محتوای دینی غیررسمی مورد استفاده دانشجویان و طراحی راهکارهایی برای تلفیق هدفمند آن با برنامه رسمی، همراه با سنجش اعتبار و انسجام.
- ۵) انجام پژوهش‌های اقدام‌پژوهی و کیفی درباره تجارب واقعی دانشجومعلم از آموزش دینی، به‌منظور بازتولید سیاست‌های برنامه درسی مبتنی بر شواهد میدانی.
- ۶) در نهایت، اگر آموزش معارف اسلامی نتواند با جهان‌زیسته‌ی دیجیتال نسل جدید وارد گفت‌وگو شود، به حاشیه خواهد رفت. اما همین وضعیت می‌تواند فرصتی برای بازتعریف کارکردهای آموزش دینی باشد؛ بازتعریفی که بر بستر تعامل خلاق، پرسش‌گری نقادانه و تجربه‌ی معنادار فردی بنا شده است.

مشارکت نویسندگان

تمام مراحل این پژوهش اعم از طراحی مفهومی، نگارش ادبیات نظری، طراحی و اجرای روش تحقیق، گردآوری و تحلیل داده‌ها، تفسیر نتایج، نگارش نهایی مقاله و ویرایش علمی، توسط نویسنده انجام شده است. مسئولیت کامل صحت و اصالت محتوای مقاله نیز بر عهده نویسنده است.

تشکر و قدردانی

این مقاله حاصل یک پژوهش مستقل بوده و از پایان‌نامه، طرح پژوهشی رسمی یا حمایت مالی سازمانی استخراج نشده است. نویسنده بر خود لازم می‌داند از دانشجومعلم دانشگاه فرهنگیان که صادقانه در مصاحبه‌ها شرکت کردند و روایت‌های زیسته خود را در اختیار پژوهشگران قرار دادند، صمیمانه سپاسگزاری نمایند.

تعارض منافع

نویسنده این مقاله اعلام می‌دارد که هیچ‌گونه تعارض منافع علمی، مالی، حرفه‌ای یا سازمانی در ارتباط با نگارش، ارسال و انتشار این مقاله وجود ندارد.

References

- Afshari, M., Cheshmeh Khavar, A. H., & Kashefi, H. (1401/2022). Providing a conceptual model for implementing internship courses virtually. *Journal of Curriculum Research*, 2(1), 76-95. <https://doi.org/10.48310/jcdr.2022.2710> [In Persian].
- Ahmadi Hedayat, H., Madi, S. A., & Hamidizadeh, K. (1403/2024). Analyzing the lived experience of directors of cultural-social centers and scientific associations of Farhangian University in Alborz province. *Culture in the Islamic University*, 14(2), 109-138. <https://doi.org/10.22034/ciu.2024.51.109> [In Persian].
- Alipour, M., & Ghasemi, S. A. (1401/2022). Analyzing the lived experiences of Farhangian University student-teachers from the outcomes of lesson study: A qualitative study. *Research in Social Studies Education*, 4(3), 79-104. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27832279.1401.4.3.4.4> [In Persian].
- Ausubel, D. P. (1968). *Educational psychology: A cognitive view*. Holt, Rinehart and Winston.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp0630a>
- Campbell, H. A. (2020). *Digital religion: Understanding religious practice in new media worlds* (2nd ed.). Routledge.
- Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2018). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches* (4th ed.). SAGE Publications.
- Faramarzian, S., & Ghasemi, M. (1403/2024). Identifying media strategies in strengthening religiosity. *Future Research Journal of Islamic Revolution*, 5(4), 64-95. https://journals.ihu.ac.ir/article_209585.html [In Persian].
- Huda, M., Arif, M., Rahim, M. M. A., & Anshari, M. (2024). Islamic Religious Education Learning Media in the Technology Era: A Systematic Literature Review. *At-Tadzkir: Islamic Education Journal*, 3(2), 83-103. <https://doi.org/10.59373/attadzkir.v3i2.62>
- Hosseini, S. M. (1402/2023). Ethics and requirements of teaching theology courses in schools. *Journal of Curriculum Research*, 3(1), 60-73. <https://doi.org/10.48310/jcdr.2023.3294> [In Persian].
- Kostruba, N. (2023). Media religiosity as a strategy for resilience and overcoming crisis. *Scientific Bulletin of Mukachevo State University Series "Pedagogy and Psychology*, 9(2), 78-86. <https://doi.org/10.52534/msu-pp2.2023.78>
- Nejadasadi, M., & Safarzadeh, S. (1402/2023). Designing an optimal virtual learning model based on academic self-efficacy and self-regulated learning strategies with the mediation of

- academic adjustment. *Ravish Psychology Journal*, 12(3), 107-118. <http://frooyesh.ir/article-1-4364-fa.html> [In Persian].
- Nosrati Hoshi, K., Samidi Boneh, H., Shahin, A., & Nasirvand, M. (1403/2024). A phenomenological study on improving the challenges in teaching elementary science. *Journal of Curriculum Research*, 4(2), 59-73. <https://doi.org/10.48310/jcdr.2025.18750.1146> [In Persian].
- Sanabar, A., Ghadampour, E., & Abbasi, M. (1402/2023). The relationship between learner motivation and the acceptance of virtual learning among students: The mediating role of perceived usefulness. *Ravish Psychology Journal*, 12(6), 49-58. <https://frooyesh.ir/article-1-4012-fa.pdf> [In Persian].
- Vygotsky, L. S. (1978). *Mind in society: The development of higher psychological processes*. Harvard University Press.